Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۰۶۳
چهارشنبه / ۱۸ شهریور / ۱۴۰۵
۲۷ / ربیع الاول / ۱۴۴۸
09 / September / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ناهید حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۴۲۲ امروز با حافظ

صبا بگو که چه‌ها بر سرم در این غمِ عشق
ز آتشِ دلِ سوزان و دودِ آه رسید
ز شوقِ روی تو شاها بدین اسیرِ فراق
همان رسید کز آتش به برگِ کاه رسید

غزل‌واره

هستی مطلق است و وحدت صرف
أَیْنَ هُوَ، أَیْنَ أَنْتَ، أَیْنَ أَنَا

جامی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۱۹	۰۵:۴۵	۱۲:۰۳	۱۸:۲۱	۱۸:۲۹

برگه

زندگی مثل دوچرخه سواری است: برای حفظ تعادل، باید حرکت کنی.

آلبرت اینشتین

گزارش روز

باید به جامعه علامت تغییر و گشایش داد

مسئله امروز این نیست که چگونه مردم را به تحمل بیشتر دعوت کنیم. مسئله این است که چگونه فشار را از روی آنها کمتر کنیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، آرامش جامعه بخشی از امنیت ملی است. مردم بیش از هر زمان دیگری به نشانه‌های روشن از بهبود و اطمینان به آینده نیاز دارند. گرانی، کاهش قدرت خرید، هزینه‌های درمان و نگرانی از آینده، فشار زیادی بر زندگی مردم وارد کرده است. راه کاهش این فشار، شنیدن نگرانی‌های مردم و برداشتن گام‌های ملموس برای بهبود زندگی آنهاست. آرامش زمانی شکل می‌گیرد که مردم آثار این تغییر را در زندگی روزمره خود ببینند. از این رو، تلطیف فضای جامعه و تقویت امید به آینده، یکی از فوری‌ترین وظایف حکمرانی و همه کنشگران سیاسی و اجتماعی است.

برای فهم این مسئله باید میان سه موضوع تفاوت بگذاریم. واقعیت‌های زندگی مردم، برداشت آنها از این واقعیت‌ها و روایتی که رسانه‌ها از شرایط کشور ارائه می‌کنند. این سه موضوع به هم مرتبطند، اما یکی نیستند. واقعیت‌های زندگی بر برداشت مردم اثر می‌گذارد و روایت رسانه‌ای نیز می‌تواند این برداشت را تقویت یا تضعیف کند. روایت رسانه‌ای مهم است، اما نمی‌تواند جای واقعیت را بگیرد. وقتی قیمت‌ها هر روز تغییر می‌کنند، وقتی خانواده‌ای برای خرید مواد غذایی یا پرداخت هزینه درمان مشکل دارد و وقتی مردم آینده اقتصادی خود را مبهم می‌بینند، نمی‌توان با خبر و تحلیل تلویزیونی این نگرانی را از بین برد. این تجربه را در سال‌های گذشته بارها دیده‌ایم. گاهی از رسانه انتظار داریم کاستی‌ها و ضعف‌های بخش‌های دیگر را جبران کند. رسانه می‌تواند به فهم بهتر مسائل و کاهش نگرانی‌ها کمک کند، اما نمی‌تواند به تنهایی واقعیت اقتصادی زندگی مردم را تغییر دهد. هرچه فاصله میان واقعیت زندگی مردم و روایت رسانه‌ای بیشتر باشد، اثرگذاری رسانه کمتر می‌شود. به همین دلیل، راه اصلی کاهش تب جامعه از اقتصاد و معیشت می‌گذرد. دغدغه اصلی بخش بزرگی از مردم همین است. کسی که نگران اجاره خانه، غذای خانواده یا هزینه درمان است، با سخنرانی و شعار آرام نمی‌شود. باید بخشی از این فشار از زندگی او کم شود.

در این میان، مفهوم تاب‌آوری هم گاهی اشتباه فهمیده می‌شود. تاب‌آوری به معنای این نیست که مردم باید هر فشاری را تحمل کنند. جامعه ایران همین حالا نیز تاب‌آوری زیادی از خود نشان داده است. با وجود فشارهای اقتصادی و مشکلات متعدد، مردم در برابر تهدید خارجی ایستاده‌اند. مسئله امروز این نیست که چگونه مردم را به تحمل بیشتر دعوت کنیم. مسئله این است که چگونه فشار را از روی آنها کمتر کنیم. برای این کار چند اقدام فوری می‌توان انجام داد.

اول، باید جلوی تولید نارضایتی جدید را گرفت. حکمرانی در شرایط فعلی لازم نیست درباره هر موضوعی تصمیم جدید بگیرد. بعضی تصمیم‌ها اگرچه در شرایط عادی ممکن است منطقی باشند، در بحران می‌توانند خشم عمومی را بیشتر کنند. بنابراین باید پیش از اجرای تصمیمات مهم، آثار اجتماعی و روانی آنها بررسی شود. اقتصاددان، جامعه‌شناس، روان‌شناس، متخصص علوم سیاسی و مدیر اجرایی در کنار هم بنشینند و تصمیمات مهم را از نظر پیامدهای اجتماعی بررسی کنند.

دوم، باید به جامعه علامت تغییر و گشایش داد. مردم باید ببینند که حکومت فقط از آنها انتظار تحمل ندارد. باید نشانه‌هایی از اصلاح و تغییر نیز ببینند. برخورد مناسب با افرادی که پس از مدتی به کشور بازگشته‌اند، نمونه خوبی است. این مسیر می‌تواند ادامه پیدا کند. در داخل کشور نیز اصلاحات کوچک می‌تواند پیام بزرگی داشته باشد.

سوم، باید فضای اجتماعی را کمتر تحریک کرد. بخش بزرگی از جامعه نه در فعالیت‌های سیاسی رسمی حضور دارد و نه خود را در قالب نیروهای سیاسی تعریف می‌کند. این بخش خاکستری جامعه نباید احساس کند هیچ جایی برای زندگی عادی و بیان نگرانی‌های خود ندارد. اگر قرار نیست به همه خواسته‌های این گروه پاسخ داده شود، حداقل نباید فضاهای معمول زندگی اجتماعی از آنها گرفته شود. حساسیت نسبت به سبک زندگی مردم نیز باید کاهش پیدا کند. جامعه در شرایط فشار به فضا برای نفس کشیدن نیاز دارد.

چهارم، رسانه‌ها باید از تولید اضطراب فاصله بگیرند. صداوسیما لازم نیست در همه شبکه‌ها درباره بدترین سناریوهای ممکن بحث کند. این نوع برنامه‌ها حتی اگر با هدف آگاهی دادن ساخته شوند، می‌توانند نگرانی عمومی را بیشتر کنند. لحن حماسی و رجزخوانی در خبرها هم همیشه به معنای تقویت روحیه نیست. گاهی نتیجه آن افزایش اضطراب است. تلویزیون باید بخشی از وظیفه اصلی خود یعنی سرگرمی، ایجاد نشاط و کاهش فشار روانی را نیز جدی بگیرد. جامعه خسته به خبر بیشتر نیاز ندارد. گاهی به یک برنامه خوب، یک فیلم، یک مسابقه ورزشی و چند ساعت فاصله گرفتن از فضای بحران نیاز دارد.

پنجم، باید برای آینده یک چشم‌انداز قابل باور ساخت. امید دادن به مردم به معنای وعده بهشت نیست. کافی است مردم احساس کنند قرار نیست شرایط همیشه همین‌طور بماند. کافی است بدانند اگر امروز سختی می‌کشند، برنامه‌ای برای بهتر شدن فردا وجود دارد. هدف دشمن، خسته کردن ذهن مردم و از بین بردن امید آنها به آینده و توانایی کشور برای حل مشکلات است. البته امید با واقعیت‌گریزی فرق دارد. جامعه زمانی امیدوار می‌شود که نشانه‌های واقعی از تغییر ببیند.

امروز هر مسئول و هر کنشگر سیاسی یک مسئولیت ساده دارد. اگر نمی‌تواند مشکلی را حل کند، دستکم نباید بر آن بیفزاید. اگر نمی‌تواند امید بزرگی ایجاد کند، نباید ناامیدی تولید کند. اگر نمی‌تواند از آرامش جامعه بکاهد، مراقب باشد بر التهاب آن نیفزاید.

قادر باستانی تبریزی

اشاره

اضافه شدن جمعه به روز کاری؛ تکلیف دستمزد روز تعطیل چه می‌شود؟

فعالیت کارگران در روز جمعه که فعلا فقط در حد حرف و پیشنهاد است، جدیدترین طرح و خبر این حوزه است. نماینده‌های کارگری یا اصل موضوع مخالفت نکرده‌اند اما اصرار دارند که ماده ۶۲ قانون کار باید در این حالت جدی گرفته شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فارو، شورای عالی کار این پیشنهاد را بررسی می‌کند تا به خاطر ناترازی انرژی و قطعی‌های گسترده برق خسارتی که به کارخانه‌ها و کارگاه‌ها وارد شده، جبران شود. حالا نماینده‌های کارگری در شورای عالی کار روی یک ماده قانونی دست گذاشته‌اند. طبق قانون مزد روز جمعه با سایر روزهای عادی هفته متفاوت است و اگر کارگری این روز را در اختیار کارگاه باشد باید ۴۰ درصد بیشتر از روز عادی دستمزد بگیرد.

جابه‌جایی روز تعطیل

طرح جابه‌جایی روز تعطیل هفتگی با هدف حفظ جریان تولید در واحدهای صنعتی مطرح شده است. ناترازی شدید انرژی و قطعی‌های گسترده برق در روزهای گذشته نیز که باعث توقف فعالیت برخی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها شده، عاملی برای چنین طرحی بیان می‌شود.

بر اساس این پیشنهاد واحدهای صنعتی می‌توانند از ظرفیت کاری روز جمعه برای جبران روزهایی استفاده کنند که تولید به دلیل قطعی برق متوقف شده است. این موضوع در جلسه مورخ یک شهریور ۱۴۰۵ شورای عالی کار مورد بحث قرار گرفته است.

وقتی درباره هدف طرح جست‌وجو کنیم یا کلیدواژه‌هایی مثل جلوگیری از توقف زنجیره تولید و کاهش زیان همزمان کارگر و کارفرما روبه‌رو می‌شویم. موافقان طرح اعتقاد دارند اجرای این فرآیند می‌تواند واحدهای مستقر و غیرمستقر در شهرک‌های صنعتی را دربر بگیرد.

واکنش فعالان کارگری

فعالان کارگری با اصل استفاده از روز جمعه برای جبران توقف تولید مخالفتی ندارند. محور اعتراض آنها اما به نحوه محاسبه دستمزد و مزایای کار در روز تعطیل هفتگی مربوط می‌شود.

به گفته این فعالان فوق‌العاده ۴۰ درصدی کار در روز جمعه به دلیل تصریح قانون قابل حذف نیست. کارگری که در روز جمعه در محل کار حاضر می‌شود، علاوه بر مزد عادی باید این فوق‌العاده را نیز دریافت کند.

از نظر قانونی جمعه روز تعطیل هفتگی کارگران است، اگر کارگر در این روز کار کند، حضور او مانند یک روز کاری عادی محاسبه نمی‌شود و مزایای بیشتری دارد.

فعالان کارگری بر لزوم توافق روشن میان کارگر و کارفرما تاکید می‌کنند و می‌گویند اگر قرار باشد روز دیگری جایگزین تعطیلی جمعه شود، این تغییر باید با رعایت مقررات قانون کار و مشخص شدن روز تعطیل جایگزین انجام شود.

قانون درباره تعطیلی جمعه چه می‌گوید؟

ماده ۶۲ قانون کار تکلیف موضوع را مشخص کرده است. جمعه روز تعطیل کارگران یا احتساب مزد است. قانون برای کارگاه‌هایی که به دلیل نوع فعالیت نمی‌توانند جمعه تعطیل باشند، امکان تعیین روز دیگری را به عنوان تعطیل هفتگی در نظر گرفته است. این وضعیت درباره خدمات عمومی مانند آب، برق و اتوبوسرانی یا کارگاه‌هایی که فعالیت مستمر دارند کاربرد بیشتری دارد.

اگر روز دیگری به عنوان تعطیل هفتگی تعیین شود، آن روز از نظر قانون جای جمعه را می‌گیرد. با این حال تعطیل بودن یک روز مشخص در هر هفته اجباری است و کارگاه نمی‌تواند کارگران را بدون روز تعطیل هفتگی به کار بگیرد.

کارگرانی که روز جمعه کار می‌کنند، بابت استفاده نکردن از تعطیلی جمعه ۴۰ درصد بیشتر از مزد عادی دریافت می‌کنند. این مبلغ اصطلاحا فوق‌العاده جمعه‌کاری است و با اضافه‌کاری تفاوت دارد.

اگر کار در روز جمعه باعث شود مجموع ساعات کار هفتگی از سقف قانونی ۴۴ ساعت بیشتر شود، ساعات اضافه بر این سقف می‌تواند مشمول اضافه‌کاری نیز باشد. در این حالت فوق‌العاده جمعه‌کاری و اضافه‌کاری دو عنوان جداگانه هستند و نباید با یکدیگر اشتباه گرفته شوند.

تبصره دوم ماده ۶۲ درباره هفته‌هایی است که تعداد روزهای کار در آن کمتر از ۶ روز است. در این شرایط مزد روز تعطیل هفتگی برابر با یک‌ششم مجموع مزد یا حقوق روزهای کار همان هفته محاسبه می‌شود.

تبصره سوم هم به کارگاه‌هایی مربوط است که در هفته پنج روز کار می‌کنند و مجموع ساعات قانونی ۴۴ ساعت را در همان پنج روز انجام می‌دهند. در این کارگاه‌ها کارگران دو روز تعطیل هفتگی دارند و مزد هر دو روز تعطیل برابر با مزد روزانه آن‌هاست.

به زبان ساده اضافه شدن جمعه به برنامه کاری حتی در صورت اجرای طرح جابه‌جایی روز تعطیل تکلیف پرداخت فوق‌العاده ۴۰ درصدی را از بین نمی‌برد.

برش

مرگ زمین؛ سرعت فرسایش خاک در ایران ٤ برابر میانگین جهانی؛ زلـــزله خـــاموش

خاک، این بستر حیاتی و تجدیدناپذیر تمدن، در سکوت در حال ناپدید شدن از جغرافیای ایران است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، در هیاهوی بحران‌های آشکاری چون خشکی تالاب‌ها، فرونشست دشت‌ها و کاهش ذخایر سدها، زوال آرام خاک اغلب از کانون توجه عمومی متفول می‌ماند. آمارهای رسمی که اخیرا از سوی وزارت جهاد کشاورزی منتشر شده، تصویری تکان‌دهنده از وضعیت اراضی کشور ترسیم می‌کند: سالانه ۱۶۵ تن خاک در هر هکتار از اراضی ایران فرسایش می‌یابد. مقایسه این رقم با میانگین ۳ تا ۵ تن در هکتار در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که سرعت تخریب خاک در ایران بیش از سه‌برابر و در برخی حوزه‌ها حتی تا چهاربرابر استانداردهای جهانی است؛ عددی هولناک که امنیت غذایی، پایداری زیست‌محیطی و آینده نسل‌های بعد را با تهدیدی جدی روبه‌رو ساخته است.

زنگ خطری به وسعت فلات ایران

فرسایش ۱۶۵ تن در هکتار صرفا یک شاخص آماری نیست؛ این رقم به معنای شسته شدن و بادبردگی سالانه بیش از دو میلیارد تن از حاصلخیزترین لایه‌های خاک ایران است. براساس برآوردهای خاک‌شناسی، برای تشکیل تنها «یک سانتی‌متر» خاک زراعی غنی، در اقلیم‌های خشک و نیمه‌خشکی مانند ایران دست‌کم چندصد سال زمان لازم است. آنچه طی میلیون‌ها سال بستر رویش و امنیت غذایی این سرزمین را پدید آورده، اکنون ظرف چند دهه با سرعتی باورنکردنی در حال تبدیل شدن به گردوغبار یا رسوب سدهاست. خاک فرسایش‌یافته نه‌تنها باروری زمین‌های کشاورزی را به نقطه صفر نزدیک می‌کند، بلکه با انباشت در مخازن سدها ظرفیت ذخیره‌سازی آب شیرین را به‌شدت کاهش می‌دهد و با برخاستن ریزگردها، شهرها و روستاها را در گرداب بحران‌های تنفسی و اقتصادی فرو می‌برد؛ اما چه شد که ثروت زیر پای این سرزمین با چنین شتابی رو به نابودی گذاشت؟

چرای مفروط و نابودی سپر پوشش گیاهی

یکی از ریشه‌ای‌ترین عوامل فرسایش خاک در ایران، تخریب بی‌امان پوشش گیاهی در مراتع و دامنه‌هاست. میلیون‌ها رأس دام خارج از ظرفیت برد اکولوژیک در مراتع کشور چرا می‌کنند. پوشش گیاهی مانند زره طبیعی عمل می‌کند؛ ریشه‌های گیاهان ذرات خاک را منسجم نگه می‌دارند و شاخ‌وبرگ‌ها شدت ضربات قطرات باران را مهار می‌سازند.

کشاورزی سنتی و شخم در جهت شیب

بخش کشاورزی با وجود آن‌که نخستین قربانی فرسایش خاک است، خود از متهمان ردیف اول این وضعیت هم به‌شمار می‌رود. ساختار سنتی و بهره‌وری پایین در نظام زراعی ایران، فشار مضاعفی بر اراضی تحمیل کرده است. یکی از نمونه‌های بارز این آسیب، شخم زدن زمین‌ها در جهت شیب کوهپایه‌هاست؛ اقدامی فاجعه‌بار که در هنگام بارش باران، شیارها را به کانال‌های هدایت سریع آب تبدیل کرده و حجم عظیمی از خاک زراعی را با خود می‌شوید.

تخلیه آبخوان‌ها و پیشروی بیابان‌زایی

ارتباط تنگاتنگی میان بحران آب و مرگ خاک وجود دارد. برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی که به‌لقت شدید سطح ایستابی انجامیده، رطوبت لایه‌های عمقی خاک را از بین برده است. زمین‌هایی که پیش‌تر به لطف آبخوان‌های پایدار رطوبت کافی داشتند، اکنون به بسترهای خشک و سست تبدیل شده‌اند. با فرونشست زمین، تخلخل طبیعی خاک برای همیشه از بین می‌رود و خاک دچار مرگ فیزیولوژیکی می‌شود؛ حالتی که در آن خاک توانایی جذب و نگهداری آب را حتی در صورت بارش‌های سنگین از دست می‌دهد.

توسعه ناموزون و تغییر کاربری اراضی

ردپای توسعه شتاب‌زده و بدون آمایش سرزمین در سراسر حوزه‌های آبخیز کشور به چشم می‌خورد. ساخت‌وسازهای ویلایی و گسترش قارچ‌گونه شهرها به بهای تغییر کاربری مرغوب‌ترین اراضی کشاورزی و باغی انجام شده است. راه‌سازی‌های غیراصولی در دامنه‌ها، خاک‌برداری‌های گسترده و استخراج معادن رواز بدون برنامه‌ریزی برای بازسازی و تثبیت اراضی، حجم بالایی از سنگریزه‌ها و خاک‌های دست‌خورده را مستعد لغزش و فرسایش کرده است.

راهکارهایی که دیگر نمی‌توان به تعویق انداخت

شکاف عمیق میان رقم ۱۶۵ تن در هکتار ایران و میانگین ۳ تا ۵ تنی کشورهای توسعه‌یافته، نشانه روشنی است از غفلت دهه‌ها سیاست‌گذاری از مبانی آبخیزداری و حفاظت خاک. کشورهایی که موفق به مهار فرسایش شده‌اند، با اجرای دقیق طرح‌های آبخیزداری مکانیکی و بیولوژیک، کشاورزی حفاظتی (کم‌خاک‌ورزی یا بی‌خاک‌ورزی)، مدیریت سفت‌وسخت ظرفیت چراگاه‌ها و بازگرداندن پوشش گیاهی بومی توانسته‌اند نرخ هدررفت خاک را کنترل کنند. خاک، منبعی است که بازتولید آن فراتر از مقیاس عمر بشر است.

اگر روند سالانه فرسایش ۱۶۵ تن در هکتار مهار نشود، دشت‌های حاصلخیز ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور به بیابان‌های عقیم تبدیل خواهند شد؛ فاجعه‌ای خاموش که پیامد آن مهاجرت‌های زیست‌محیطی گسترده، سقوط تولیدات زراعی و به مخاطره افتادن زیست‌پذیری فلات ایران خواهد بود. زمان برای نجات این بستر حیات به‌سرعت در حال اتمام است.

متـــوســـط انـــدازه‌ی دیـــوار مصـــرفِ روزانـــه!

متوسط مصرف آب در ایران ۴۰ لیتر بالاتر از استاندارد جهانی: ۱۹۰ لیتر در روز.